

«سیرجان؛ شهری «نه این، نه آن» گرفتار گران»

حسام الدین اسلاملو

گزارش

باشد به نسبت افزایش متقاضیان، قیمت کالای مورد نظر نیز مرتب افزایش پیدا می‌کند. مثل یک جور مزایده که وقتی فقط یک اسب هست و پنج خواهان دارد، آن کسی صاحب اسب می‌شود که پول بیشتری می‌دهد. مصداق آن ضرب‌المثل معروف هرچی پول بدهی، همان قدر آش می‌خوری.

سیرجان شهری ترانزیتی

این قانون بازار است و سیرجان و جای دیگر ندارد. در سیرجان که یک شهر ترانزیتی در چهارراه قرار گرفته است، به دلایل صنعتی و کشاورزی و درآمدی و جا به جایی جمعیتی، تقاضا برای انواع کالاها زیاد شده است اما این شهرستان در عرضه ی کالاها این چنین رشدی نداشته و حتا می‌توان گفت شهر ما در عرضه‌ی محصولات همچنان به نوعی در دوران قدیم خود مانده. دورانی که یک شهر کویری و حاشیه‌ای و کمتر صنعتی و بیشتر زراعی-سنتی بوده است. اما هم دولت و هم مردم می‌توانند به نوعی نقش خود را در اثرگذاری بر قانون عرضه و تقاضا ایفا کنند.

نقش مردم چیست؟

نقش مردم این است که اگر کالایی گران شد، تقاضا را با همدلی به صورت مصنوعی کاهش بدهند. یعنی نخرند یا از فروشگاه‌های گرانفروش نخرند، نه اینکه برعکس تقاضا را به صورت مصنوعی بالا ببرند، صف بکشند و دچار تب خرید کالای مورد نظر بشوند! مثل اتفاقی که سال گذشته برای روغن خوراکی افتاد! از طرفی روغن در فروشگاه‌ها نبود و از طرف دیگر در خانه‌ی هر سیرجانی که می‌رفت، اگر اتفاقی در کابینت‌های آشپزخانه‌اش را باز می‌کرد، می‌دید که روغن است! تفاوت اکثر سیرجانی‌ها با دیگر مردم شهرهای دیگر این است که به خاطر وجود پول در دست و بالشان، همواره زیر بار هر قیمتی رفته‌اند. با هر نوسانی کنار آمده‌اند و چندان اهل چانه زدن هم نبوده‌اند. اگر مردم به عنوان خریداران و مشتری، برای خود حق چانه‌زنی، کنارکشی از خرید و حتا تحریم فروشگاه‌های گران را بدهند، به جز کاستن از روند صعودی تقاضا که موجب تورم می‌شود، یک کار دیگر هم کرده‌اند. اینکه میان عرضه‌کنندگان کالا، رقابت ایجاد کرده‌اند. رقابت بر سر کشاندن تقاضای مردم به سمت کالای خود با ترفندهایی مثل ارزان‌تر فروختن یا بالا بردن کیفیت.

اقتصاد ما خواسته هم دولتی باشد و دست خیر دولت به ملت برسد و هم خواسته مراعات حال بخش خصوصی را بکند و با بازار آزاد و ایجاد رقابت بین اهل صنعت در تولید و عرضه انواع کالا، پیشرفت کند. از بد روزگار نه این شده و نه آن. جدای از مساله تحریم‌ها، این مشکل اصلی اقتصاد کل ایران است و این میان سیرجان هم که جزیره نیست. مثل باقی شهرهای کشور. منتها چیزی که وضعیت سیرجان را بغرنج‌تر کرده این است که اقتصادش از اقتصاد باقی شهرهای کشور هم نه این و نه آن تر است! سیرجان نه مثل کلانشهرها مرکز کشور یا استان است که بودجه به آن تخصص بدهند و جدی‌اش بگیرند و پولهایش را خرج خودش بکنند و نه از آن شهرهای کوچک و بی ادعا که اقتصاد کوچکی دارند و جمعیت کمی و اگر پول در دست مردمشان نیست، دست کم تورم هم کمتر است.

سیرجان شهری گران

اینکه سیرجان شهر گرانی‌ست، بر کسی پوشیده نیست. قیمت کالاهای اساسی منقول و غیرمنقول در سیرجان نه تنها به نسبت شهرستان‌های دیگر که حتا به نسبت مرکز استان‌ها نیز گران‌تر است. این درحالی‌ست که شهر ما امکانات مرکز استان‌ها را ندارد اما از نظر قیمت با آن‌ها برابری می‌کند!

کارشناسان اقتصادی زیادی کوشیده‌اند که دلایل گران بودن زندگی در سیرجان را بررسی کنند ولی عمدتاً یا به بی‌راهه رفته‌اند و یا گاه تک‌بعدی به ماجرا نگریسته‌اند.

سیرجان شهری ثروتمند

هرچه هست اگر بخواهیم ریز نشویم، باید سیرجان را شهر ثروتمندی بدانیم که ثروتش موجب ایجاد تورم در بازار شده است. اگر قانون عرضه و تقاضا را در دانش اقتصاد دنبال کرده باشید، می‌توانید با فرمول آن به راحتی مساله‌ی گران بودن و چند نرخی بودن کالا را در سیرجان توضیح دهید.

وقتی میزان عرضه‌ی یک کالا از تعداد متقاضی بیشتر باشد، قیمت آن رو به کاهش می‌رود و به عکس اگر کالایی متقاضی زیادی داشته